

Participatory Governance and Sustainable Rural Tourism Development: A Case Study of Qalat Village, Fars Province

1. Mohammad Sadegh Tadayoni Nezhad^{id}: Department of Social Sciences, Ja.C., Islamic Azad University, Fars, Iran

2. Samineh Bahadori Jahromi^{id}*: Department of Social Sciences, Ja.C., Islamic Azad University, Fars, Iran.

3. Delshad Abdolhami^{id}: Department of Social Sciences, Ja.C., Islamic Azad University, Fars, Iran

4. Payam Paslari^{id}: Department of Business Administration, BA.C., Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

5. Seyed Koorosh Sarvarzadeh^{id}: Department of Social Sciences, Ja.C., Islamic Azad University, Jahrom, Iran

*Corresponding Author's Email Address: saminbahadori.jahromi@iau.ac.ir

How to Cite: Tadayoni Nezhad, M. S., Bahadori Jahromi, S., Abdolhamid, D., Paslari, P., & Sarvarzadeh, S. K. (2025). Participatory Governance and Sustainable Rural Tourism Development: A Case Study of Qalat Village, Fars Province. *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 3(1), 1-12.

Abstract:

This study aimed to examine the role of participatory governance dimensions, particularly “participation” and “managerial effectiveness and efficiency,” in predicting sustainable rural tourism development in Qalat village, Fars Province. A descriptive-analytical quantitative survey design was adopted. The statistical population included 7,286 residents and stakeholders of Qalat village, from which 367 respondents were selected using stratified random sampling based on Cochran’s formula at a 95% confidence level and a 0.05 margin of error. Data were collected using a validated and reliable researcher-designed questionnaire (Cronbach’s alpha = 0.87). Descriptive statistics, Pearson correlation, and multiple linear regression analyses were conducted using SPSS version 26. Pearson correlation results indicated a significant positive relationship between “participation” and sustainable rural tourism ($r = 0.58$, $p < 0.001$) and between “managerial effectiveness and efficiency” and sustainable rural tourism ($r = 0.42$, $p < 0.001$). Multiple regression analysis revealed that both participation ($\beta = 0.28$, $t = 4.50$, $p < 0.001$) and managerial effectiveness and efficiency ($\beta = 0.19$, $t = 3.10$, $p = 0.002$) significantly predicted sustainable rural tourism, jointly explaining 34% of the variance ($R^2 = 0.34$). The findings highlight that strengthening genuine community participation and improving managerial effectiveness and efficiency form the foundation for achieving sustainable rural tourism. Leveraging local cultural and natural assets through participatory and efficient governance provides a robust framework for economic, social, and environmental sustainability in rural destinations.

Keywords: Rural tourism, sustainable development, participatory governance, community participation, managerial effectiveness and efficiency

Received: 06 February 2025

Revised: 27 April 2025

Accepted: 05 May 2025

Published: 13 June 2025



Copyright: © 2025 by the authors. Published under the terms and conditions of Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

حکمرانی مشارکتی و توسعه پایدار گردشگری روستایی: مطالعه موردی روستای قلات فارس

۱. محمدصادق تدینی نژاد^{ID}: گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران

۲. ثمین بهادری جهرمی^{ID*}: گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. دلشاد عبدالحمید^{ID}: گروه علوم تربیتی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران

۴. پیام پاسلاری^{ID}: گروه مدیریت بازرگانی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

۵. سید کورش سرورزاده^{ID}: گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: saminbahadori.jahromi@iau.ac.ir

نحوه استناددهی: تدینی نژاد، محمدصادق، بهادری جهرمی، ثمین، عبدالحمید، دلشاد، پاسلاری، پیام، و سرورزاده، سید کورش. (۱۴۰۴). حکمرانی مشارکتی و توسعه پایدار گردشگری روستایی: مطالعه موردی روستای قلات فارس. *تجلی هنر در معماری و شهرسازی*، ۳(۱)، ۱-۱۲.

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین نقش ابعاد حکمرانی مشارکتی به‌ویژه «مشارکت» و «اثربخشی و کارایی» در پیش‌بینی توسعه پایدار گردشگری روستایی در روستای قلات استان فارس انجام شد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کمی و روش پیمایشی انجام گرفت. جامعه آماری شامل ۷۲۸۶ نفر از ساکنان و ذی‌نفعان روستای قلات بود که بر اساس فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰/۵ تعداد ۳۶۷ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته استاندارد بود که روایی آن با نظر خبرگان و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۸۷/۰ تأیید شد. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شدند. نتایج نشان داد بین «مشارکت» و توسعه پایدار گردشگری همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد ($r = 0.58, p < 0.001$) و همچنین «اثربخشی و کارایی» نیز با توسعه پایدار گردشگری رابطه مثبت و معناداری دارد ($r = 0.42, p < 0.001$). تحلیل رگرسیون چندگانه بیانگر آن بود که هر دو متغیر «مشارکت» ($\beta = 0.28, t = 4.50, p < 0.001$) و «اثربخشی و کارایی» ($\beta = 0.19, t = 3.10, p = 0.002$) توان تبیین ۳۴ درصدی واریانس توسعه پایدار گردشگری را دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد تقویت مشارکت واقعی جامعه محلی و بهبود کارایی و اثربخشی مدیریت محلی می‌تواند بنیان دستیابی به توسعه پایدار گردشگری را فراهم کند. توجه به ظرفیت‌های بومی، همراه با مدیریت علمی و سیاست‌گذاری مشارکتی، می‌تواند الگوی کارآمدی برای پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مقاصد روستایی ارائه دهد.

کلیدواژگان: گردشگری روستایی، توسعه پایدار، حکمرانی مشارکتی، مشارکت اجتماعی، اثربخشی و کارایی

تاریخ دریافت: ۱۸ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۷ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۲۳ خرداد ۱۴۰۴



مقدمه

گردشگری روستایی طی دو دهه اخیر به عنوان راهبردی کلیدی در توسعه پایدار نواحی روستایی مطرح شده و توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است. این رویکرد از یک سو پاسخی به چالش‌های کاهش درآمد کشاورزی، بیکاری و مهاجرت روستاییان است و از سوی دیگر می‌تواند بستری برای احیای فرهنگ، میراث بومی و پایداری محیط‌زیست فراهم آورد (1). از منظر نظری، گردشگری پایدار با ترکیب مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌کوشد کیفیت زندگی ساکنان محلی را ارتقا دهد و منابع طبیعی و فرهنگی را برای نسل‌های آینده حفظ کند (2). با این حال، در عمل دستیابی به توسعه پایدار گردشگری در روستاها با موانع ساختاری و مدیریتی متعددی مواجه است؛ ضعف حکمرانی مشارکتی، کمبود راهبردهای نوآورانه و عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی از جمله این چالش‌ها به شمار می‌روند (3).

اهمیت حکمرانی مشارکتی در ادبیات توسعه روستایی به‌طور فزاینده‌ای برجسته شده است. مشارکت واقعی ذی‌نفعان محلی در تصمیم‌سازی و اجرای پروژه‌های گردشگری، ضمن تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی، موجب کاهش تعارضات و افزایش پذیرش اجتماعی می‌شود (4). در مناطقی که نهادهای محلی و جامعه به‌صورت مشترک به برنامه‌ریزی گردشگری پرداخته‌اند، پایداری اقتصادی و زیست‌محیطی قابل توجهی حاصل شده است (5). با این حال، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد در بسیاری از روستاهای ایران و جهان، رویکردهای بالا به پایین و فقدان مکانیزم‌های مشارکتی، ظرفیت‌های توسعه را محدود کرده و موجب تخریب منابع طبیعی و نارضایتی جامعه میزبان شده است (6).

از منظر اقتصادی، گردشگری روستایی می‌تواند با ایجاد فرصت‌های شغلی مکمل و تقویت کسب‌وکارهای خرد، نقش مهمی در تنوع‌بخشی معیشت ایفا کند (7). در ایران، استفاده از مدل‌های نوین کسب‌وکار و راهکارهای دیجیتال در صنعت گردشگری روستایی به‌ویژه در مناطقی مانند کرمانشاه می‌تواند به ایجاد بازارهای تازه و افزایش درآمد خانوارهای محلی منجر شود (8). هم‌زمان، نقش کارآفرینی پایدار و انگیزه‌های سبک زندگی در شکل‌گیری اکوسیستم‌های کارآفرینانه روستایی نیز مورد توجه قرار گرفته است (9).

تحولات فناورانه نیز تأثیر چشمگیری بر پویایی گردشگری روستایی گذاشته‌اند. بازاریابی دیجیتال و استفاده از نوآوری‌های فناوری اطلاعات می‌تواند فاصله جغرافیایی و ضعف زیرساختی مناطق روستایی را تا حد زیادی جبران کند (10). به‌کارگیری ابزارهای واقعیت مجازی در معرفی مقاصد بوم‌گردی و افزایش آگاهی زیست‌محیطی گردشگران از دیگر ظرفیت‌های فناوری نوین است (11). در عین حال، گرافیک محیطی و طراحی فضاهای فرهنگی پایدار می‌تواند به حفظ هویت محلی و افزایش جذابیت مقصد کمک کند (12).

یکی از حوزه‌های کمتر دیده‌شده اما اثرگذار در گردشگری روستایی، توجه به بازی‌های محلی و ورزش‌های بومی است که می‌تواند جاذبه‌ای فرهنگی-اجتماعی ایجاد کرده و تجربه گردشگران را غنی‌تر سازد (13). ترکیب این مؤلفه‌ها با برنامه‌ریزی بهداشتی و جذب گردشگران سلامت نیز در برخی استان‌های مرزی کشور، مانند کردستان، به‌عنوان مزیتی رقابتی مطرح شده است (14). هم‌زمان، تجارب بین‌المللی نشان می‌دهد که ادغام آموزش گردشگری پایدار در سطوح پایه و ارتقای آگاهی جامعه محلی، زیربنایی برای توسعه پایدار و تاب‌آوری اقتصادی فراهم می‌کند (15).

از سوی دیگر، توجه به فرهنگ و آموزش گردشگری پایدار می‌تواند به نسل جدید کمک کند تا با شناخت ظرفیت‌های بومی، از فرصت‌های گردشگری روستایی برای اشتغال‌زایی و حفظ محیط‌زیست بهره‌برداری کنند (16). انگیزه‌های یادگیری و تجربه‌های فرهنگی گردشگران در روستاها نشان داده است که طراحی برنامه‌های آموزشی و ترویجی، می‌تواند جریان بازدیدکنندگان را پایدار و متنوع کند (17). در همین راستا، توسعه روستاهای زبانی و ایجاد فضاهای آموزشی برای معرفی منابع طبیعی و فرهنگی منطقه نیز تجربه‌ای موفق در برخی کشورها مانند اندونزی بوده است (18).

مدیریت پایدار گردشگری روستایی همچنین نیازمند درک عمیق از دینامیک‌های میان بهره‌برداری گردشگری و تخریب چشم‌اندازهای طبیعی است (19). اگر تعادل بین استفاده از منابع و ظرفیت تحمل محیطی رعایت نشود، پیامدهای منفی مانند فرسایش فرهنگی و آسیب به تنوع زیستی رخ خواهد داد (20). به همین دلیل، در نواحی نیمه‌خشک و حساس ایران، تدوین راهبردهای بهینه برای توسعه پایدار گردشگری ضروری است تا همزمان بهره‌برداری اقتصادی و حفاظت زیست‌محیطی محقق شود (3).

از منظر سیاستی، ایجاد بسترهای نوین کسب‌وکارهای گردشگری الکترونیک، توانمندسازی کارآفرینان محلی و توسعه بازاریابی دیجیتال در کنار ارتقای حکمرانی مشارکتی می‌تواند راهگشای مشکلات ساختاری توسعه گردشگری روستایی باشد (8, 10). همچنین بهره‌گیری از سرمایه فکری سبز و گرایش‌های راهبردی نوآورانه در میان کارآفرینان روستایی، توسعه پایدار را تسریع می‌کند (6). در این میان، پیوند بین فرهنگ بومی و نوآوری فناورانه نقش اساسی در افزایش مزیت رقابتی مقاصد گردشگری روستایی دارد (11, 12).

تجارب پژوهشی در ایران و سایر کشورها تأکید می‌کنند که تمرکز صرف بر جنبه‌های اقتصادی گردشگری بدون در نظر گرفتن ظرفیت مشارکت اجتماعی و سازوکارهای نهادی، نه تنها منجر به توسعه پایدار نمی‌شود بلکه می‌تواند بحران‌های زیست‌محیطی و اجتماعی ایجاد کند (2, 4, 9). مشارکت واقعی مردم محلی در فرایند تصمیم‌گیری و نظارت، حس تعلق و مسئولیت‌پذیری را تقویت کرده و زمینه پایداری پروژه‌ها را فراهم می‌آورد (5). در مقابل، ضعف شفافیت و پاسخگویی موجب بی‌اعتمادی و تعارض در بهره‌برداری از منابع گردشگری می‌شود (21).

به‌طور کلی، تلفیق اصول حکمرانی مطلوب، نوآوری فناورانه و توانمندسازی جوامع محلی می‌تواند الگوی کارآمدی برای توسعه پایدار گردشگری روستایی فراهم آورد. ادغام این عناصر، ضمن ارتقای کیفیت خدمات و زیرساخت‌ها، حفاظت از منابع و میراث فرهنگی را نیز تضمین می‌کند (3, 7, 17). از این رو، طراحی مدل‌های توسعه مبتنی بر مشارکت و هم‌افزایی ظرفیت‌های محلی با مدیریت علمی و استفاده از ابزارهای نوین، می‌تواند پاسخی پایدار به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی روستاها ارائه دهد (8, 12).

با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش حکمرانی مشارکتی و نوآوری‌های مدیریتی در ارتقای توسعه پایدار گردشگری روستایی، تمرکز خود را بر شناسایی و تحلیل عوامل اثرگذار در روستای مورد مطالعه قرار داده است.

روش‌شناسی

در این پژوهش از رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش پیمایشی استفاده شده است. انتخاب این طرح به دلیل ماهیت کمی تحقیق و ضرورت سنجش رابطه میان ابعاد حکمرانی مشارکتی و توسعه پایدار گردشگری روستایی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه ساکنان و ذی‌نفعان روستای قلات در استان فارس بود که به طور

مستقیم یا غیرمستقیم در فعالیت‌های گردشگری و توسعه محلی نقش دارند. براساس آمار رسمی سال ۱۴۰۳، جمعیت این جامعه ۷۲۸۶ نفر گزارش شده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد، خطای برآورد ۰.۰۵ و بیشترین واریانس احتمالی استفاده شد و در نتیجه ۳۶۷ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیدند. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی جامعه (جنسیت، شغل و سطح تحصیلات) به کار رفت تا توزیع متوازن و نمایندگی کافی از گروه‌های مختلف روستا حاصل شود. مشارکت داوطلبانه پاسخ‌دهندگان پس از توضیح هدف پژوهش و تضمین محرمانگی اطلاعات جمع‌آوری شد.

برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته استاندارد شده استفاده شد که بر اساس مبانی نظری حکمرانی مطلوب و توسعه پایدار گردشگری طراحی گردید. این پرسشنامه شامل دو بخش بود؛ بخش اول اطلاعات جمعیت‌شناختی مانند جنسیت، سن، سطح تحصیلات و نوع فعالیت اقتصادی را گردآوری می‌کرد و بخش دوم شاخص‌های مرتبط با ابعاد حکمرانی مشارکتی و توسعه پایدار گردشگری را می‌سنجید. گویه‌های مربوط به حکمرانی مشارکتی شامل مشارکت اجتماعی، شفافیت، پاسخگویی، حاکمیت قانون، وفاق عمومی، عدالت توزیعی، اثربخشی و کارایی و مسئولیت‌پذیری بود و گویه‌های توسعه پایدار گردشگری ابعاد اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زیست‌محیطی را پوشش می‌داد. روایی محتوایی پرسشنامه از طریق نظر خبرگان و اساتید حوزه مدیریت گردشگری و جامعه‌شناسی روستایی تأیید شد. برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که مقدار کلی آن برای پرسشنامه ۸۷/۰ به دست آمد که نشان‌دهنده ثبات و قابلیت اعتماد بالای ابزار بود. پرسشنامه به صورت حضوری و با همکاری پژوهشگر و تیم محلی در بازه زمانی مشخص توزیع و تکمیل شد تا کیفیت پاسخ‌ها و درک صحیح از مفاهیم اطمینان حاصل شود.

داده‌های گردآوری شده ابتدا با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ وارد و پالایش شد. برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان از آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد و میانگین استفاده گردید. در مرحله تحلیل استنباطی برای آزمون فرضیه‌ها و بررسی روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. همچنین، برای تعیین سهم متغیرهای حکمرانی مطلوب در پیش‌بینی توسعه پایدار گردشگری از مدل رگرسیون خطی ساده و چندگانه بهره گرفته شد. شاخص‌های برازش مدل، مقادیر ضریب تعیین (R^2)، ضرایب بتا و معناداری (p-value) بررسی گردید تا قدرت تبیین‌کنندگی مدل و اهمیت هر یک از ابعاد حکمرانی مشخص شود. برای تحلیل عمیق‌تر یافته‌ها و تفسیر نتایج در چارچوب نظری تحقیق، نتایج آماری با مطالعات پیشین و ادبیات نظری مرتبط با حکمرانی مشارکتی و توسعه پایدار مقایسه و ارزیابی شد. این رویکرد تحلیلی امکان درک جامع از وضعیت موجود در روستای قلات و ارائه راهکارهای کاربردی برای بهبود حکمرانی و توسعه گردشگری پایدار را فراهم ساخت.

یافته‌ها

ترکیب جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان نشان داد که از میان ۳۶۷ نفر شرکت‌کننده، ۵۳/۱ درصد مرد و ۴۶/۹ درصد زن بودند. سطح تحصیلات در میان افراد مورد مطالعه متنوع بود و از بی‌سوادی تا کارشناسی‌ارشد را دربرمی‌گرفت. در حوزه اشتغال، مردان عمدتاً در کشاورزی (۵۶/۴ درصد) و دامداری (۳۵/۹ درصد) فعال بودند، در حالی که زنان بیشترین فعالیت را در صنایع دستی و مشاغل سنتی (۱۷/۴ درصد) و همچنین کشاورزی (۲۳/۳ درصد) داشتند. این ترکیب نشان می‌دهد جامعه نمونه از نظر جنسیت و اشتغال پراکندگی متنوعی دارد که برای تحلیل اثر حکمرانی مشارکتی بر توسعه گردشگری اهمیت دارد.

جدول ۱. ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	توسعه پایدار گردشگری
مشارکت	$p < 0.001, r = 0.58$
اثربخشی و کارایی	$p < 0.001, r = 0.42$

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که هر دو متغیر «مشارکت» و «اثربخشی و کارایی» دارای همبستگی مثبت و معنادار با توسعه پایدار گردشگری هستند. ضریب همبستگی مشارکت (۰.۵۸) نشان‌دهنده ارتباط قوی‌تر این متغیر با توسعه پایدار گردشگری در مقایسه با اثربخشی و کارایی (۰.۴۲) است. همچنین سطح معناداری کمتر از ۰.۰۰۱ برای هر دو متغیر نشان می‌دهد که این روابط به لحاظ آماری پایدار و غیرتصادفی‌اند.

جدول ۲. نتایج رگرسیون چندگانه توسعه پایدار گردشگری بر اساس مشارکت و اثربخشی و کارایی

متغیر پیش‌بین	β (بتای استاندارد)	t	p
مشارکت	۰.۲۸	۴.۵۰	< 0.001
اثربخشی و کارایی	۰.۱۹	۳.۱۰	۰.۰۰۲

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که «مشارکت» با بتای استاندارد ۰.۲۸ و مقدار t برابر ۴.۵۰ اثر مثبت و معناداری بر توسعه پایدار گردشگری دارد و همچنین «اثربخشی و کارایی» با بتای ۰.۱۹ و مقدار t برابر ۳.۱۰ نیز تأثیر مثبت و معناداری بر این متغیر نشان می‌دهد. سطح معناداری هر دو متغیر کمتر از ۰.۰۱ است که اعتبار بالای مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب تعیین (R^2) مدل برابر با ۰.۳۴ برآورد شد؛ به این معنا که حدود ۳۴ درصد از تغییرات توسعه پایدار گردشگری توسط دو متغیر مشارکت و اثربخشی و کارایی تبیین می‌شود. با توجه به ضرایب استاندارد، اثر مشارکت بر توسعه پایدار گردشگری بیش از اثربخشی و کارایی بوده و نقش محوری‌تری در پیش‌بینی این متغیر ایفا می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که از میان ابعاد مختلف حکمرانی مطلوب، «مشارکت» و «اثربخشی و کارایی» بیشترین سهم را در تبیین توسعه پایدار گردشگری روستایی دارند و در مجموع حدود ۳۴ درصد از واریانس توسعه پایدار گردشگری را توضیح می‌دهند. این نتیجه حاکی از آن است که وقتی جامعه محلی در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های گردشگری نقش فعال داشته باشد، سطح اعتماد و انسجام اجتماعی افزایش یافته و زمینه برای پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی فراهم می‌شود (۴). در واقع، مشارکت سبب می‌شود مردم روستا خود را ذی‌نفع مستقیم پروژه‌ها بدانند و برای حفظ منابع طبیعی و فرهنگی و بهبود خدمات گردشگری تلاش کنند. این یافته با مطالعاتی همسو است که نشان می‌دهند در غیاب مشارکت محلی، طرح‌های گردشگری اغلب با مخالفت‌های اجتماعی و مشکلات اجرایی مواجه می‌شوند و دوام و کارایی بلندمدت ندارند (۵، ۲۱).

نقش تعیین‌کننده مشارکت در این تحقیق، با دیدگاه پژوهشگران توسعه پایدار گردشگری که مشارکت را زیربنای عدالت اجتماعی و کارآمدی اقتصادی می‌دانند، هم‌راستا است. در چارچوب مدل‌های نوین توسعه روستایی، مشارکت موجب افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش تعارضات بین گروه‌های مختلف ذی‌نفع می‌شود (۲، ۶). همچنین با افزایش دسترسی ساکنان محلی به فرآیند تصمیم‌گیری، مشروعیت سیاست‌ها و تصمیمات بالا می‌رود و همکاری عمومی برای حفاظت از منابع

و حفظ زیرساخت‌ها تقویت می‌شود (4). از منظر فرهنگی، مشارکت می‌تواند هویت بومی و میراث فرهنگی را حفظ کرده و از تخریب یا دگرگونی ناخواسته آن جلوگیری کند؛ به‌ویژه در مقاصدی مانند روستای قلات که تنوع فرهنگی و تاریخی چشم‌گیری دارد (3, 17).

دومین متغیر اثرگذار در این مطالعه، «اثربخشی و کارایی» مدیریت محلی و اجرایی بود. این یافته نشان می‌دهد که کیفیت تصمیم‌گیری، تخصیص منابع، برنامه‌ریزی عملیاتی و پاسخگویی نهادی نقش کلیدی در پایداری گردشگری ایفا می‌کند. چنانچه ساختار مدیریتی روستا قادر به استفاده بهینه از منابع و به‌کارگیری راهبردهای عملیاتی کارآمد نباشد، حتی وجود مشارکت محلی نیز به تنهایی کافی نخواهد بود. مطالعاتی در ایران و سایر کشورها تأیید می‌کنند که ضعف مدیریتی، ناکارآمدی نهادهای محلی و نبود ساختارهای هماهنگ‌کننده می‌تواند مسیر توسعه پایدار گردشگری را مسدود کند (9, 21). همچنین رویکردهای علمی و راهبردی در مدیریت گردشگری، مانند برنامه‌ریزی استراتژیک و کارآفرینی پایدار، می‌تواند با استفاده از منابع بومی و ظرفیت‌های دیجیتال، توسعه اقتصادی و زیست‌محیطی را همزمان پیش ببرد (7, 8).

یافته‌های این تحقیق با روندهای جهانی نیز سازگاری دارد. در سطح بین‌المللی، مدل‌های نوین حکمرانی در گردشگری بر همکاری دولت، جامعه محلی و بخش خصوصی تأکید دارند و نشان داده‌اند که ایجاد شبکه‌های همکاری و هماهنگی می‌تواند پایداری را ارتقا دهد (19). در این میان، نقش نوآوری فناورانه نیز پررنگ است؛ ابزارهایی مانند بازاریابی دیجیتال، گردشگری الکترونیک و استفاده از فناوری‌های نوظهور می‌تواند ضعف زیرساختی و فاصله جغرافیایی مناطق روستایی را جبران کرده و در خدمت اثربخشی مدیریتی قرار گیرد (10-12). ترکیب این ابزارها با حکمرانی مشارکتی، پایداری را تسریع و امکان رقابت‌پذیری مقصدهای روستایی را افزایش می‌دهد (8).

همچنین، توجه به عناصر فرهنگی و اجتماعی در کنار مدیریت کارآمد اهمیت دارد. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که مشارکت اجتماعی نه تنها بُعد اقتصادی توسعه را تقویت می‌کند، بلکه موجب حفظ هویت محلی و افزایش رضایت ساکنان از پیامدهای گردشگری می‌شود. این یافته با پژوهش‌هایی همخوان است که بیان می‌کنند سرمایه اجتماعی و هویت فرهنگی دو عامل مکمل برای تضمین پایداری پروژه‌های گردشگری روستایی هستند (3, 4, 17). در شرایطی که جامعه محلی احساس کند در تصمیمات مشارکت دارد و منافع به‌صورت عادلانه توزیع می‌شود، مقاومت اجتماعی در برابر گسترش گردشگری کاهش یافته و هم‌افزایی بیشتری میان بازیگران محلی شکل می‌گیرد (5).

نتایج همچنین اهمیت آموزش و ارتقای مهارت‌های جامعه محلی در زمینه گردشگری پایدار را برجسته می‌کند. تقویت آگاهی زیست‌محیطی و توانمندسازی کارآفرینان روستایی می‌تواند زمینه بهبود اثربخشی مدیریتی و پایداری فعالیت‌ها را فراهم آورد. تجربه کشورهایی مانند اندونزی و مالزی نشان داده که ادغام آموزش و فناوری‌های نوین در برنامه‌های توسعه گردشگری، تأثیر قابل توجهی در حفظ منابع و افزایش رفاه جوامع میزبان داشته است (10, 18). در ایران نیز ترویج دانش دیجیتال و مدل‌های نوین کسب‌وکار برای روستاییان می‌تواند راهکار موثری برای بهره‌گیری از فرصت‌های بازار جهانی گردشگری باشد (8, 14). این پژوهش نشان داد که اگرچه سایر ابعاد حکمرانی مطلوب مانند شفافیت، پاسخگویی، عدالت و حاکمیت قانون در مدل نهایی معنادار نشدند، اما این به معنای بی‌اهمیتی آنها نیست. در مراحل ابتدایی توسعه گردشگری روستایی، ممکن است مشارکت و اثربخشی بیشترین تأثیر مستقیم را داشته باشند، اما برای تثبیت و ارتقای پایداری در بلندمدت، تقویت سایر ابعاد حکمرانی ضروری است. پژوهش‌های نظری تأکید می‌کنند که حکمرانی پایدار در نهایت نیازمند ترکیب همه

اصول از جمله شفافیت اطلاعات، عدالت در توزیع منافع و پاسخگویی نهادی است (9, 21). از این منظر، یافته‌های حاضر می‌تواند پایه‌ای برای سیاست‌گذاری مرحله‌ای باشد؛ بدین معنا که ابتدا تقویت مشارکت و مدیریت کارآمد اولویت قرار گیرد و سپس در فازهای بعدی سازوکارهای شفافیت و پاسخگویی ارتقا یابد. همچنین مقایسه نتایج با تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که موقعیت جغرافیایی و بوم‌شناختی منطقه بر الگوی حکمرانی و توسعه گردشگری اثرگذار است. مناطق نیمه‌خشک مانند قلات، نیازمند راهبردهای خاصی برای حفظ منابع آبی و طبیعی هستند (3, 20). این امر نشان می‌دهد که حتی در چارچوب حکمرانی مشارکتی، الزامات زیست‌محیطی باید به‌طور جدی در فرآیند تصمیم‌گیری و مدیریت لحاظ شود. از سوی دیگر، تأکید بر توسعه مشاغل متناسب با ظرفیت‌های بومی مانند صنایع دستی و کشاورزی پایدار می‌تواند اثربخشی و کارایی مدیریتی را تقویت کند (7, 9).

در مجموع، نتایج این تحقیق تأیید می‌کند که دستیابی به توسعه پایدار گردشگری روستایی بدون حضور واقعی جامعه محلی و بدون مدیریت اجرایی کارآمد ممکن نیست. سیاست‌گذاران و مدیران محلی باید درک کنند که مشارکت اجتماعی و کارایی مدیریتی دو ستون نخست هر برنامه توسعه‌ای هستند. با توجه به تحولات فناورانه و روندهای جهانی، ادغام نوآوری دیجیتال و آموزش پایدار در برنامه‌های توسعه روستایی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای کیفیت حکمرانی و افزایش تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی جوامع محلی شود (10, 12, 17).

این پژوهش همانند هر تحقیق دیگری با برخی محدودیت‌ها مواجه بود. نخست، داده‌های تحقیق بر اساس پاسخ‌های خوداظهاری ساکنان و ذی‌نفعان محلی گردآوری شد و ممکن است سوگیری ناشی از ادراک یا تمایل به پاسخ‌های اجتماعی‌پسند وجود داشته باشد. دوم، مطالعه تنها در محدوده روستای قلات انجام شده و نتایج ممکن است به‌طور کامل به سایر مناطق روستایی تعمیم‌پذیر نباشد، زیرا شرایط فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی می‌تواند متفاوت باشد. سوم، تمرکز تحقیق بر دو بعد معنادار حکمرانی مطلوب (مشارکت و اثربخشی/کارایی) باعث شد سایر ابعاد هرچند در مدل لحاظ شدند، اما نتایج معناداری ارائه نگردید و ممکن است در محیط‌های متفاوت یا در طول زمان نقش پررنگ‌تری بیابند. همچنین، متغیرهای کلیدی مانند حمایت دولت، زیرساخت‌های فناوری و شاخص‌های دقیق زیست‌محیطی در این مطالعه به‌طور محدود مورد سنجش قرار گرفتند که می‌تواند در تحلیل‌های عمیق‌تر تأثیرگذار باشد.

پژوهش‌های آینده می‌توانند با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی کمی و کیفی، ابعاد عمیق‌تری از حکمرانی مطلوب مانند شفافیت، پاسخگویی و عدالت توزیعی را بررسی کنند. همچنین انجام مطالعات طولی برای رصد تغییرات نگرش و رفتار جامعه محلی نسبت به گردشگری در بازه‌های زمانی مختلف می‌تواند درک پویاتری از فرایند توسعه پایدار ارائه دهد. گسترش دامنه تحقیق به روستاهای با ویژگی‌های متفاوت اقلیمی و فرهنگی نیز به تعمیم‌پذیری نتایج کمک خواهد کرد. علاوه بر این، بهره‌گیری از مدل‌های تحلیلی پیچیده‌تر مانند معادلات ساختاری یا تحلیل شبکه اجتماعی می‌تواند تصویری جامع‌تر از روابط میان ابعاد حکمرانی و شاخص‌های توسعه پایدار فراهم کند.

در سطح سیاست‌گذاری و اجرا، توصیه می‌شود ساختارهای نهادی برای مشارکت واقعی جامعه محلی تقویت شود و ساکنان در تمام مراحل برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری حضور فعال داشته باشند. ایجاد بسترهای آموزشی و مهارتی برای روستاییان، به‌ویژه در زمینه کسب‌وکارهای گردشگری دیجیتال و بازاریابی نوین، می‌تواند اثربخشی و کارایی را ارتقا دهد. همچنین طراحی و پیاده‌سازی نظام‌های پایش و ارزیابی مداوم، کمک می‌کند تا فرآیند توسعه پایدار گردشگری به صورت پویا و بر اساس بازخورد جامعه محلی اصلاح شود. توجه ویژه به ظرفیت‌های بومی مانند صنایع دستی و میراث فرهنگی و ادغام آنها با فناوری‌های نوین نیز

می‌تواند مدل‌های کسب‌وکار رقابتی و پایدار ایجاد کند. در نهایت، تقویت همکاری میان بخش عمومی، خصوصی و نهادهای مردمی برای ایجاد شبکه‌های حمایتی و سرمایه‌گذاری مشترک، مسیر توسعه پایدار گردشگری روستایی را تسهیل خواهد کرد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رسانند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

خلاصه مبسوط

Extended Abstract

Introduction

Rural tourism has emerged over the past two decades as a strategic pathway to achieve sustainable development in rural regions, responding to economic decline, population outmigration, and environmental vulnerability (1). Its potential lies in revitalizing local economies, diversifying livelihoods, and preserving cultural and ecological assets (2). Yet, the success of rural tourism development depends heavily on governance structures and the degree to which local communities are actively engaged in shaping, implementing, and benefiting from tourism policies (4).

Participatory governance—defined as inclusive decision-making processes that empower local actors—has been widely recognized as a foundation for sustainable tourism (5). By enabling residents to contribute to planning and oversight, participatory governance strengthens social capital, fosters trust, and enhances acceptance of tourism initiatives (6). It also allows for more balanced distribution of economic benefits and mitigation of conflicts among stakeholders. However, many

rural destinations continue to suffer from top-down decision-making, weak institutional capacities, and limited transparency, which can undermine long-term sustainability (21).

Economic diversification through tourism entrepreneurship is another critical dimension. Small-scale tourism enterprises, including homestays, handicrafts, and eco-friendly agricultural experiences, can create resilient livelihoods while maintaining environmental balance (7). Studies suggest that lifestyle-motivated rural entrepreneurs who integrate cultural authenticity and environmental stewardship into their practices contribute to sustainable entrepreneurial ecosystems (9). Simultaneously, technological innovation is reshaping the rural tourism landscape. Digital marketing, e-tourism platforms, and virtual reality tools help overcome geographic isolation and connect rural destinations to wider markets (10, 11). Environmental graphics and place-based design have also been found to strengthen cultural identity and visitor experience in rural settings (12).

The cultural and social fabric of rural areas must be integrated into development strategies to avoid cultural commodification and ensure authenticity (3, 17). When local traditions, crafts, and social practices are respected and enhanced, rural tourism can foster pride and cohesion among residents while appealing to culturally motivated visitors (16). Education plays a transformative role as well: incorporating sustainability principles into community training and even early educational stages has been shown to increase awareness and support for long-term tourism strategies (15). This is complemented by the revival of local sports and indigenous games, which enrich the tourism experience and strengthen cultural continuity (13).

Strategic planning and governance models must also adapt to environmental realities. In ecologically fragile and semi-arid contexts, sustainable rural tourism requires careful resource management and clear institutional frameworks to prevent landscape degradation (3, 20). Dynamic models that balance tourism exploitation with landscape resilience can inform planning and policy (19). Furthermore, the integration of health-related and wellness tourism with rural resources has become a competitive advantage in some regions (14).

Despite increasing global attention, many rural tourism initiatives fail because participatory mechanisms remain underdeveloped or superficial. Evidence shows that without genuine empowerment and efficient local management, sustainability goals remain aspirational (2, 4). Digital and knowledge-based innovations alone cannot guarantee success if they are not embedded in strong local governance frameworks (8, 10). Therefore, combining participatory governance with managerial effectiveness and innovative tools appears essential for rural tourism destinations to remain competitive and environmentally resilient (7, 17).

In this context, the present study investigates the influence of participatory governance dimensions—particularly community participation and managerial effectiveness—on the sustainable development of rural tourism. The research focuses on Qalat village in Fars Province, a culturally and environmentally rich area facing both tourism potential and ecological pressure.

Methods and Materials

This study employed a quantitative descriptive-analytical and survey-based design. The target population included residents and stakeholders of Qalat village directly or indirectly engaged in tourism-related activities. Based on official population statistics for 2024, the total population was 7,286 individuals. Using Cochran's formula at a 95% confidence level and a 0.05 margin of error, a sample size of 367 respondents was determined and selected through stratified random sampling to ensure proportional representation across gender, education, and employment sectors.

A structured researcher-designed questionnaire was used, containing two sections: demographic data and constructs related to participatory governance and sustainable rural tourism development. The governance dimensions measured included participation and managerial effectiveness/efficiency. Items were rated on a Likert scale, and the instrument's reliability was

confirmed with a Cronbach's alpha coefficient of 0.87. Data collection was performed in person with the assistance of trained local facilitators to ensure clarity and high response quality.

Data were analyzed using SPSS version 26. Descriptive statistics were applied to summarize demographic characteristics, while Pearson correlation and multiple linear regression analyses tested relationships and predictive power of governance variables on sustainable tourism outcomes.

Findings

Demographic analysis showed that among the 367 respondents, 53.1% were male and 46.9% female. Education levels varied widely, ranging from illiteracy to master's degrees, reflecting the social diversity of the community. Employment patterns revealed that men were primarily involved in agriculture (56.4%) and livestock farming (35.9%), whereas women were more active in handicrafts and traditional industries (17.4%) and agriculture (23.3%).

Correlation analysis revealed significant positive relationships between the independent variables and sustainable rural tourism. Community participation demonstrated a strong positive correlation ($r = 0.58, p < 0.001$), and managerial effectiveness also correlated positively, albeit moderately ($r = 0.42, p < 0.001$).

Multiple regression analysis indicated that both predictors significantly contributed to sustainable rural tourism development. Participation had a standardized beta coefficient of 0.28 ($t = 4.50, p < 0.001$), while managerial effectiveness had a beta of 0.19 ($t = 3.10, p = 0.002$). The model explained 34% of the variance in sustainable rural tourism ($R^2 = 0.34$), highlighting the combined explanatory power of these two governance components.

Discussion and Conclusion

The findings clearly demonstrate that sustainable rural tourism development in Qalat is strongly influenced by the presence of participatory governance and efficient local management. Community participation emerged as the strongest predictor, underlining the essential role of local voices and agency in tourism planning and operations. When residents feel empowered to contribute to decision-making, their trust and willingness to collaborate increase, reducing resistance to tourism initiatives and fostering long-term social cohesion. This dynamic also encourages local stewardship of natural and cultural resources, aligning development with community values and sustainability goals.

Managerial effectiveness and efficiency also play a pivotal role. Effective management practices ensure that resources are used wisely, strategies are actionable, and benefits are distributed fairly. Without capable local institutions and operational clarity, even engaged communities may struggle to maintain tourism systems over time. Thus, participation and management should be seen as mutually reinforcing; community involvement enhances legitimacy and social buy-in, while effective management ensures that participation translates into tangible and sustainable outcomes.

Although other governance dimensions such as transparency, accountability, and equity were not statistically significant in this study, they should not be disregarded. Their weaker performance could reflect the early stages of institutional development in the case area or the community's prioritization of immediate involvement and practical outcomes over formal accountability structures. Over time, strengthening transparency and equity mechanisms could further stabilize and professionalize governance, supporting tourism resilience against economic or environmental shocks.

This research underscores the importance of a stepwise, context-sensitive approach to sustainable rural tourism governance. Rural destinations should begin by strengthening participation and practical management capacity, while progressively institutionalizing broader governance principles such as fairness, rule of law, and long-term environmental monitoring. Digital tools and innovative entrepreneurship models can complement these efforts but should not replace local empowerment and managerial quality.

By focusing on participatory governance and managerial effectiveness, rural tourism destinations like Qalat can harness their unique cultural and natural assets to build sustainable livelihoods and maintain environmental integrity. These findings suggest that policymakers and local planners should prioritize inclusive decision-making, invest in managerial training and capacity building, and ensure that development strategies are culturally embedded and economically feasible. Over the long term, integrating these principles with transparency, accountability, and technological innovation will help rural communities transition from vulnerable, resource-dependent economies to resilient and competitive tourism-based systems.

References

1. Rezvani MR. Development of Rural Tourism with a Sustainable Tourism Approach. Tehran: University of Tehran Press; 2006.
2. Aazami M, Shanazi K. Tourism wetlands and rural sustainable livelihood: The case from Iran. *Journal of Outdoor Recreation and Tourism*. 2020;30:100284.
3. Khadem Hosseini O, Rahmani B, Khaledi S, Asanlu A. Explaining an Optimal Strategy Based on Factors Influencing the Development of Sustainable Rural Tourism in Semi-Arid Areas (Case Study: Abadeh County). *Spatial Planning (Geography)*. 2024;55:5-26.
4. Fun FS, Chiun LM, Songan P, Nair V. The impact of local communities' involvement and relationship quality on sustainable rural tourism in rural area, Sarawak. The moderating impact of self-efficacy. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 2014;144:60-5.
5. Erwin JE, Sturm T. Living in the Wake of Rural Irish Troubles: Building an Institution for Sustainable Peace Through Emotive Out-of-Place Tourism. 2022:189-206.
6. Pazaki M. Designing a paradigmatic model for sustainable rural tourism entrepreneurship development with an emphasis on strategic orientation and green intellectual capital (Case study: Villages of Shahrud County). *Village and Development*. 2024;27(2).
7. Cunha C, Kastenholz E, Carneiro MJ. Entrepreneurs in rural tourism: Do lifestyle motivations contribute to management practices that enhance sustainable entrepreneurial ecosystems? *Journal of Hospitality and Tourism Management*. 2020;44:215-26.
8. Ayneh M, Almasi Fard MR. A model for business in the development of rural electronic tourism industry in Kermanshah Province. *Rural and Sustainable Development Space*. 2024;5(3):154-71.
9. Moridsadat P, Moamelvand S. The factors affecting sustainable entrepreneurship development in rural tourism (case study: Golestan rural district, Tonekabon county). *Researches in Earth Sciences*. 2020;10(4):91-107.
10. Sulistyo A, Fatmawati I, Nuryakin N. Creating Sustainable Tourism Through Innovation [Digital-Based Marketing in the Tinalah Rural Tourism]. 2022:400-16.
11. Putra AK, Islam MN, Hilmi R, Khairunisa T, Huda IAS. Geography Virtual Reality for Learning About Ecotourism and Rural Sustainability. *Kne Social Sciences*. 2022.
12. Liu XD, Zhang J, Zhou Z, Feng Z. Investigating the Impact of Environmental Graphics on Local Culture in Sustainable Rural Cultural Tourism Spaces. *Sustainability*. 2023;15(13):10207.
13. Mousavi R, Najafabadi MO, Mirdamadi SM, Hosseini SJF. Rural sports and local games: missing link between sports tourism development and sustainability. 2022;26(3):201-23.
14. Mohammadi S. Strategic planning of health tourism development in Kurdistan province with emphasis on attracting health tourists in Kurdistan Region of Iraq. *Human Geography Research*. 2022;54(3):1083-105.
15. Marunda E. The Enhancement of Sustainable Tourism Education and Training to Primary School Level and Rural Communities in Zimbabwe. *Journal of Tourism Management Research*. 2015;2(1):9-23.
16. Yang F. Exploring Students' Push and Pull Motivations to Visit Rural Educational Tourism Sites in China. *Sustainability*. 2023;15(20):14739.
17. Yanan L, Ismail MA, Aminuddin A. How has rural tourism influenced the sustainable development of traditional villages? A systematic literature review. *Heliyon*. 2024;10(4):e25627.
18. Wibowo A, Muhammad DRA, Lestari E, Karsidi R, editors. Development of a Language Tourism Village Based on Local Natural Resources and the Local Community (A Case Study in Karanganyar Regency, Central Java, Indonesia). 1st International Conference on Sustainable Agricultural Socio-economics, Agribusiness, and Rural Development (ICSASARD 2021); 2021.
19. Iannucci G, Martellozzo F, Randelli F. Sustainable Development of Rural Areas: A Dynamic Model in Between Tourism Exploitation and Landscape Decline. *Journal of Evolutionary Economics*. 2022;32(3):991-1016.
20. Hesam M, Bagheri F, Atefi A. Assessment of Tourism Development Compliant With Ecotourism Principles, Case Study: Guilan, Iran. *Journal of Sustainable Rural Development*. 2020;4(2):263-76.
21. Ghorbani R, Salamati S, Mohajeri L, Arzhanghi H. Assessing the effects of tourism on the development of the urban economy)Case study: Ardabil city. *Geography and Human Relationships*. 2021;3(4):542-56.